



The University of Tehran Press

Journal of Social Business

Vol. 2, No. 3, Autumn 2025

Online ISSN: 3060-7213

Home Page: <https://jsbu.ut.ac.ir/>

Timeless Urban Space as a Platform for Social Enterprise and the Empowerment of Local Communities (A Case Study of Naqsh-e Jahan Square, Isfahan)

Sara mahmoudian mosleh¹ | Zahra Sadat Saeideh Zarabadi^{2*} | Farah Habib³ | Manouchehr Tabibian⁴

1. Department of Urban development, SR.C., Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: sara.mahmoudianmosleh@iau.ir
2. Corresponding Author, Department of Urban development, SR.C., Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: z.zarabadi@iau.ac.ir
3. Department of Urban development, SR.C., Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: f.habib@iau.ir
4. Department of Urban Development, College of Fine Arts, University of Tehran, Iran. Email: tabibian@ut.ac.ir

ARTICLE INFO

Article type:

Research Article

Article History:

Received August 09, 2025

Revised September 14, 2025

Accepted September 19, 2025

Published online September 23, 2025

Keywords:

*Grounded Theory,
Local Empowerment,
Naqsh-e Jahan Square Isfahan,
Social Enterprise,
Timeless Urban Space.*

ABSTRACT

In contemporary urban environments undergoing rapid physical, social, and economic transformations, cities are gradually losing their historical meaning and identity, facing phenomena such as collective amnesia and decline in place identity. Revisiting the concept of "timelessness" offers a novel approach to strengthening cultural sustainability, social reproduction, and developing local ecosystems. Timelessness refers to a spatial quality that, despite the passage of time, retains its meaning, functions, and human experiences, sustaining itself within collective memory. This qualitative study, grounded in Grounded Theory, explores the qualities of "timeless urban space" as a platform for social enterprise formation and local community empowerment, focusing on Naqsh-e Jahan Square in Isfahan. Data were collected through semi-structured interviews with 12 stakeholders including local vendors, active women, cultural tourists, handicraft masters, and tour guides, complemented by field observations and analysis of historical and contemporary documents. Findings reveal that timeless spaces possess characteristics such as semantic continuity and historical memory, evocativeness, ritual adaptability, multifunctionality, human scale, connection to nature, and spatial coherence. These features enhance collective memory, social interaction, and cultural participation while providing foundations for small-scale economic networks and the emergence of local social enterprises. Naqsh-e Jahan Square exemplifies a timeless space where integrated commercial, ritual, governmental, and recreational functions create a dynamic arena for urban resilience, social reproduction, and sustained cultural life over time.

Cite this article: mahmoudian mosleh, S., Saeideh Zarabadi, Z.S., Habib, F., Tabibian, M. (2025). Timeless Urban Space as a Platform for Social Enterprise and the Empowerment of Local Communities (A Case Study of Naqsh-e Jahan Square, Isfahan). *Journal of Social Business*, 2 (3), 339-355. <https://doi.org/10.22059/jsbu.2025.400417.1052>



© Sara mahmoudian mosleh, Zahra Sadat Saeideh Zarabadi, Farah Habib, Manouchehr Tabibian

Publisher: University of Tehran Press.

<https://doi.org/10.22059/jsbu.2025.400417.1052>



فضای شهری بی‌زمان بستر کسب‌وکار اجتماعی و توانمندسازی جوامع محلی (مطالعه موردی: میدان نقش جهان اصفهان)

سارا محمودیان مصلح^۱ | زهرا سادات سعیده زرابادی^{۲*} | فرح حبیب^۳ | منوچهر طیبیان^۴

۱. گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: sara.mahmoudianmosleh@iau.ir

۲. نویسنده مسئول، گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: z.zarabadi@iau.ac.ir

۳. گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: f.habib@iau.ir

۴. گروه شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران. رایانامه: tabibian@ut.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:

علمی - پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۶/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱

کلیدواژه:

توانمندسازی محلی،

فضای شهری بی‌زمان،

کسب‌وکار اجتماعی،

میدان نقش جهان اصفهان،

نظریه داده‌بنیاد.

در فضاهای شهری معاصر که با دگرگونی‌های شتابان کالبدی، اجتماعی و اقتصادی مواجه‌اند، شهرها به تدریج معنا و هویت تاریخی خود را از دست داده و با پدیده‌هایی همچون فراموشی جمعی و زوال هویت مکان روبه‌رو می‌شوند. بازخوانی مفهوم «بی‌زمانی» می‌تواند رویکردی نوین برای تقویت پایداری فرهنگی، بازتولید اجتماعی و توسعه زیست‌بوم‌های محلی فراهم آورد. بی‌زمانی به کیفیتی از فضا اطلاق می‌شود که علی‌رغم گذر زمان، معنا، کارکرد و تجربه‌ی انسانی خود را حفظ کرده و در حافظه جمعی پایدار می‌ماند. پژوهش حاضر با هدف واکاوی کیفیت‌های «فضای شهری بی‌زمان» به عنوان بستری برای شکل‌گیری کسب‌وکارهای اجتماعی و ارتقای توانمندی جوامع محلی، با تمرکز بر میدان نقش جهان اصفهان انجام شده است. روش تحقیق کیفی و مبتنی بر نظریه داده بنیاد است. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۲ نفر از ذی‌نفعان (چهار فروشنده بومی، دو زن فعال محلی، دو گردشگر فرهنگی، دو استادکار صنایع‌دستی و دو راهنمای گردشگری)، به همراه مشاهدات میدانی و تحلیل اسناد تاریخی و معاصر گردآوری و طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که فضای بی‌زمان دارای کیفیت‌هایی نظیر تداوم معنایی و حافظه تاریخی، خاطره‌انگیزی، آیین‌پذیری، چندعملکردی بودن، مقیاس انسانی، پیوند با طبیعت و سازمان فضایی منسجم است. این ویژگی‌ها ضمن تقویت حافظه جمعی، تعاملات اجتماعی و مشارکت فرهنگی، بستر ایجاد شبکه‌های خرد اقتصادی و شکل‌گیری کسب‌وکارهای اجتماعی محلی را مهیا می‌کنند. مطالعه موردی میدان نقش جهان نشان می‌دهد که تلفیق عملکردهای تجاری، آیینی، حکومتی و تفریحی در چارچوب فضایی منسجم، نمونه‌ای برجسته از فضای بی‌زمان است؛ فضایی که نه وضعیتی ایستا بلکه عرصه‌ای پویا برای تاب‌آوری شهری، بازتولید اجتماعی و تداوم حیات فرهنگی در گذر زمان به شمار می‌آید.

استناد: محمودیان مصلح؛ سارا، سعیده زرابادی؛ زهرا، حبیب؛ فرح، طیبیان؛ منوچهر (۱۴۰۴). فضای شهری بی‌زمان بستر کسب‌وکار اجتماعی و توانمندسازی جوامع محلی (مطالعه موردی: میدان نقش جهان اصفهان). کسب‌وکار اجتماعی، ۲ (۳)، ۳۳۹-۳۵۵. <https://doi.org/10.22059/jsbu.2025.400417.1052>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© سارا محمودیان مصلح، زهرا سادات سعیده زرابادی، فرح حبیب، منوچهر طیبیان

<https://doi.org/10.22059/jsbu.2025.400417.1052>



۱. مقدمه

فضای شهری بستر شکل‌گیری حیات مدنی، تعاملات اجتماعی و بازتاب فرهنگ و حافظه تاریخی جوامع است. درک معاصر از فضای شهری، آن را مفهومی چندلایه و بین‌رشته‌ای می‌داند که ابعاد معنایی، اجتماعی، فرهنگی، روان‌شناختی و هویتی را دربرمی‌گیرد (Wirasmoyo & Ikaputra, 2024; Shahinrad, Rafieian, and Pourjafar, 2023; Gawel, 2019; Carmona, 2019). با این حال، توسعه‌های شتاب‌زده و نگاه عملکردگرایانه در شهرهای معاصر موجب تهی شدن فضاها از ارزش‌های کیفی و گسست هویتی آن‌ها شده است (Shafii Daryani et al., 2013; Essawy, 2017). بازاندیشی در چیستی فضاهای شهری و بازآفرینی هویت‌مند آن‌ها ضروری است، زیرا فضاهای عمومی تعامل اجتماعی، انسجام جامعه و رفاه فردی را تسهیل می‌کنند (Perera et al., 2024). یکی از مفاهیم نوظهور در این زمینه، «فضای شهری بی‌زمان» است؛ فضایی که فراتر از سبک و عملکرد، دارای تداوم فرهنگی و تاریخی و ظرفیت ایجاد تعاملات انسانی هدفمند است (Essawy, 2017; Lesiège, 2023; Paszkowski, 2011). این فضاها به خلق خاطره جمعی و ارتقای حس مکان کمک می‌کنند و نقش مهمی در انسجام اجتماعی و تجربه انسانی دارند (Gürleyen, 2018; Cho et al., 2015; Zou et al., 2023; Motalebi & Sedaghati, 2020).

فو و وردینی^۱ (۲۰۲۵) بیان می‌کنند فضاهایی که نشانه‌های تاریخی، آیینی، زیبایی‌شناختی و مشارکتی دارند، زمینه توسعه کسب‌وکارهای اجتماعی محلی و خلاق را فراهم می‌کنند. در دهه‌های اخیر، کسب‌وکار اجتماعی به‌عنوان راهکاری برای پاسخ به نیازهای جوامع محلی و کاهش فقر مطرح شده است و مکان‌های عمومی با ایجاد فرصت‌های اقتصادی مانند بازارهای محلی و جشنواره‌ها، به توسعه اقتصادی و پویایی اجتماعی کمک می‌کنند (Low, 2023). این کسب‌وکارها با اولویت‌دادن به مأموریت اجتماعی بر تقویت ظرفیت‌های محلی، ترویج ارزش‌های فرهنگی و ایجاد اشتغال پایدار تمرکز دارند و سرمایه اجتماعی و مشارکت‌پذیری جامعه را افزایش می‌دهند (Hussein et al., 2020). همان‌گونه که کار^۲ (۱۹۹۲) فضای عمومی را صحنه‌ای برای تعاملات اجتماعی و انسجام جمعی می‌داند، می‌توان استدلال کرد که این ویژگی‌ها، بستری برای شکل‌گیری کسب‌وکارهای اجتماعی و توانمندسازی جوامع محلی فراهم می‌کنند (Stanley, 2003). بر این اساس، مقاله حاضر با بررسی نظری و تجربی مفهوم «فضای شهری بی‌زمان» و تحلیل میدان نقش‌جهان اصفهان، نشان می‌دهد چگونه چنین فضاهایی می‌توانند از طریق حمایت از کسب‌وکار اجتماعی، مسیر توانمندسازی جوامع محلی را هموار کنند.

با این حال، بستر فیزیکی و اجتماعی کسب‌وکارهای محلی اغلب نادیده گرفته می‌شود، در حالی که فضاهای شهری واجد کیفیت می‌توانند زمینه‌ساز این فعالیت‌ها باشند. این مقاله با تکیه بر نظریه‌ها و نمونه میدان نقش‌جهان اصفهان، واقع در مرکز شهر و ثبت‌شده در فهرست میراث جهانی یونسکو، ظرفیت چنین فضاهایی را در تقویت کسب‌وکار اجتماعی بررسی می‌کند. مسئله اصلی پژوهش این است که چگونه فضاهای شهری بی‌زمان می‌توانند به‌عنوان زیرساخت اجتماعی و فرهنگی، شکل‌گیری کنش‌های اقتصادی-اجتماعی محله‌محور را ممکن سازند و توانمندسازی جوامع محلی را تسهیل کنند. مقاله با مرور ادبیات نظری درباره ابعاد فضای بی‌زمان، کسب‌وکار اجتماعی و توانمندسازی محلی آغاز شده و سپس با رویکرد کیفی و تحلیل موردی، میدان نقش‌جهان اصفهان را از منظر پیوندهای فضایی-اجتماعی و قابلیت‌های آن در شکل‌گیری کسب‌وکار اجتماعی و ارتقای توانمندی‌های محلی بررسی می‌کند. هدف نهایی ارائه الگویی تلفیقی است که بنیان‌های نظری فضاهای شهری بی‌زمان را با اهداف کسب‌وکار اجتماعی و شاخص‌های توانمندسازی محلی پیوند می‌دهد.

بی‌زمانی در معماری و شهرسازی به کیفیتی اشاره دارد که طی آن فضا یا اثر، علی‌رغم گذر زمان، معنا، عملکرد و تجربه خود را حفظ کرده و در ذهن کاربران پایدار می‌ماند (Nute, 2024). این مفهوم، فضا را فراتر از سبک‌ها و نیازهای گذرا قرار داده و به بخشی از حافظه جمعی تبدیل می‌کند (Merleau-Ponty, 1945). کریستوفر الکساندر^۳ (۱۹۷۹) از «کیفیت بی‌نام» به‌عنوان جوهره فضاهای ماندگار یاد می‌کند که با زندگی انسان، طبیعت و فرهنگ در تعادل‌اند. ادبیات نشان می‌دهد فضاهای بی‌زمان دارای ویژگی‌هایی در سطوح کالبدی، معنایی، اجتماعی و فرهنگی هستند و تجربه‌های مشترک تاریخی یا اجتماعی را ثبت می‌کنند،

1. FU & VERDIDNI

2. Car

3. Christopher Alexander

به‌گونه‌ای که با شکل‌گیری خاطرات جمعی، به مکان‌های پایدار تبدیل می‌شوند (Gürleyen, 2018; Sak & Senyapili, 2019). معنا، هویت مکان و پیوند با تجربه عاطفی افراد نقش کلیدی در ماندگاری فضا دارد. (Lynch, 1984; Zou et al., 2023) بی‌زمانی زمانی محقق می‌شود که گذشته، حال و آینده مکان پیوسته باشند و این با حفظ ساختار کالبدی، کاربری‌های چندمنظوره و مشارکت آیینی ممکن می‌شود (Boussaa, 2017; Carmona, 2014). همچنین، انعطاف و توانایی پاسخ به تغییرات محیطی و اجتماعی بدون از دست دادن هویت، از ویژگی‌های ضروری فضاهای بی‌زمان است (Lynch, 1972; Carmona et al., 2014). مرلوپونتی^۱ (۱۹۴۵) و شوپنهاور^۲ (۱۸۱۹) تجربه زیباشناختی مستقل از زمان و مکان می‌دانند (مرلوپونتی، ۱۹۴۵).

کسب‌وکار اجتماعی به فعالیتی گفته می‌شود که هدف آن پاسخ به نیازهای اجتماعی، فرهنگی یا زیست‌محیطی است (Yunus & Weber, 2010). در مکان‌های با هویت تاریخی و فرهنگی، این کسب‌وکارها ابزار توسعه فراگیر و پایداری شهری اند (Doherty et al., 2014). فضاهایی مانند میدان نقش‌جهان با بستر گردشگری، صنایع‌دستی و بازارهای محلی، رشد کسب‌وکارهای اجتماعی را تسهیل کرده و علاوه بر تقویت اقتصاد محلی، به بازتولید فرهنگی و معنا بخشیدن مجدد به فضا کمک می‌کنند (Richards & Marques, 2012). فرآیند توانمندسازی محلی به جوامع امکان کنترل منابع و آینده خود را می‌دهد (Zimmerman, 2000) و فضاهای عمومی با هویت فرهنگی حس تعلق و انسجام اجتماعی را تقویت می‌کنند (Francis et al., 2012). آیین‌های جمعی، جشنواره‌ها و بازارهای محلی نیز «مالکیت اجتماعی» ایجاد می‌کنند (Manzo & Perkins, 2006). فضاهای بی‌زمان کانون پایداری فرهنگی، مشارکت اجتماعی و توسعه محلی هستند. این فضاها با هویت مکان، حافظه جمعی و تعاملات اجتماعی، پایه‌گذار کسب‌وکارهای اجتماعی و توانمندسازی محلی می‌شوند و سرمایه اجتماعی، فرصت شغلی و بازتولید فرهنگ را تقویت می‌کنند. با توجه به تازگی مفهوم «بی‌زمانی» در شهرسازی و کاربرد چندلایه آن در حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی، مرور مطالعات پیشین از منظر سه محور اصلی مطالعه یعنی «بی‌زمانی فضا»، «کسب‌وکار اجتماعی» و «توانمندسازی جوامع محلی» ضروری است. تحلیل‌ها نشان می‌دهند بی‌زمانی نوعی کیفیت ادراکی-اجتماعی است که امکان امتداد معنا، تداوم عملکرد و انسجام تجربه را در طول زمان فراهم می‌کند و تجربه زمان‌مندی معمول را تعلیق می‌کند، به‌گونه‌ای که فضا چرخه‌ای، آیینی یا حافظه‌محور تجربه می‌شود (مرلوپونتی، ۱۹۴۵).

نوت^۳ (۲۰۲۴) بی‌زمانی را پناهگاهی ادراکی در برابر زمان متلاطم می‌داند که با الگوبرداری از طبیعت، احیای فضاهای کهن‌الگویی و حذف نشانه‌های زمان ایجاد می‌شود. ایساوی^۴ (۲۰۱۷) نور، مقیاس انسانی، حضور طبیعت و ساختارهای منظم را سازوکارهای فعال‌ساز بی‌زمانی معرفی می‌کند و لسیژ^۵ (۲۰۲۳) و ریکی^۶ (۲۰۱۷) آن را نتیجه رابطه پویا میان گذشته و حال می‌دانند، به‌گونه‌ای که پیوستگی با حافظه فرهنگی و نیازهای امروزی انسان حفظ شود (Jiang, 2024). لیلا^۷ (۲۰۲۲) در تحلیل آثار ریچارد مایر نشان می‌دهد سادگی، تکرار و پرهیز از زمان‌مندی تاریخی هویت بی‌زمان فرم‌ها را تقویت می‌کند (لیلا، ۲۰۲۲). مولتون^۸ (۲۰۲۵)؛ صبح و سامی^۸ (۲۰۱۸) تداوم فرم‌های نمادین و پیوند آن‌ها با حافظه جمعی را سازوکار اصلی هویت بی‌زمان معرفی می‌کند و با تحلیل نظم هندسی در معماری اسلامی به بازتولید کیفیت‌های بی‌زمان فرهنگی اشاره دارند.

پژوهش‌های داخلی همچون گلزاری و همکاران (۲۰۲۱)، معین‌الدینی و پیروزمند (۲۰۲۵)، نجارنژاد مشهدی و همکاران (۲۰۲۱) و مغربی (۲۰۱۹) نیز نشان می‌دهند فقدان نشانه‌های تاریخی موجب زوال حافظه جمعی می‌شود و بی‌زمانی با آرامش، امنیت و هویت کاربران پیوند دارد. یاراحمدی (۲۰۱۹) و رشیدی و همکاران (۲۰۲۴) نقش طبیعت، ریتم، آب و مصالح بومی را در تجربه بی‌زمانی مستند کرده‌اند. این کیفیت‌ها زمینه‌ساز کنش‌های آیینی و تعاملی‌اند؛ صفدری (۲۰۱۷) و حاتمی‌گلزاری (۲۰۲۱) فضا را بستر آیین‌ها، مشارکت اجتماعی و زندگی روزمره معرفی کرده‌اند. در جمع‌بندی، بی‌زمانی کیفیتی چندوجهی است که در پیوند با

1. Merleau-Ponty

2. Schopenhauer

3. Nute

4. Essawy

5. Ricci

6. Layla

7. Moulton

8. Sobh & Samy

حافظه، آیین، طبیعت و مشارکت، فضایی ماندگار و معنادار خلق می‌کند. چنین فضایی زمینه‌ساز پایداری فرهنگی و اجتماعی است و با اتصال به کسب‌وکارهای اجتماعی و توانمندسازی جوامع محلی، به زیرساختی معنایی و عملکردی بدل می‌شود.

کسب‌وکار اجتماعی به‌عنوان رویکردی نوین در توسعه شهری، در دهه‌های اخیر توجه زیادی در برنامه‌ریزی شهری، اقتصاد محلی و عدالت فضایی جلب کرده است. این فعالیت‌ها عمدتاً در بسترهای محلی شکل می‌گیرند و فضاهای عمومی می‌توانند زمینه‌ساز آن‌ها باشند (Yunus & Ortega, 2010). نمونه‌ای از بازآفرینی شهری در شانگهای نشان می‌دهد که استفاده مجدد از ساختمان‌های تاریخی با مشارکت جامعه محلی، شبکه‌های اجتماعی را تقویت کرده، از کسب‌وکارهای خرد حمایت کرده و هویت فرهنگی را حفظ می‌کند (Yung, Chan, & Xu, 2024). توانمندسازی جوامع محلی با مشارکت‌پذیری، هویت‌سازی و سرمایه اجتماعی پیوند دارد و طراحی فضاهایی که ارتباطات اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و خوداتکایی را تقویت کنند، در ایجاد حس تعلق و همبستگی اجتماعی مؤثر است (Francis et al., 2012; Manzo & Perkins, 2006).

مشیری و همکاران (۲۰۲۰) نشان دادند که بهبود فضای کسب‌وکار در مناطق کم‌برخوردار، ابزاری مؤثر برای توانمندسازی حاشیه‌نشینان و تقویت اقتصاد محلی است. این یافته‌ها با موضوع مقاله حاضر درباره پتانسیل میدان نقش‌جهان در ایجاد فرصت‌های اقتصادی هم‌راستا هستند. همچنین، خاکپور (۲۰۱۵) رابطه مثبت سرمایه اجتماعی با توانمندسازی زنان در بازار کار شهری را نشان داد و اهمیت بعد اجتماعی فضاهای شهری در توانمندسازی گروه‌های آسیب‌پذیر را برجسته کرد. پیشینه پژوهش در سه حوزه مرتبط نشان می‌دهد که ترکیب مفاهیم بی‌زمانی، کسب‌وکار اجتماعی و توانمندسازی محلی در یک چارچوب نظری نوآورانه کمتر بررسی شده است. این مقاله با تحلیل میدان نقش‌جهان اصفهان به‌عنوان یک فضای شهری بی‌زمان، نشان می‌دهد چگونه ظرفیت‌های تاریخی، معنایی و اجتماعی فضا می‌توانند فعالیت‌های اقتصادی-اجتماعی را تقویت کرده و تاب‌آوری و خوداتکایی جوامع محلی را افزایش دهند.

۲. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش در چارچوب راهبرد کیفی نظریه داده‌بنیاد^۱ اشتراوس و کوربین و با بهره‌گیری از مراحل کدگذاری باز، محوری و انتخابی صورت گرفت. در این رویکرد، تحلیل داده‌ها در سه گام متوالی انجام می‌شود و در نهایت با استفاده از مدل پارادایمی اشتراوس و کوربین، روابط بین مقوله‌ها در قالب شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها تبیین می‌گردد. هدف آن تبیین ظرفیت‌های «فضای شهری بی‌زمان» برای توانمندسازی جوامع محلی و توسعه کسب‌وکارهای اجتماعی است؛ برای واکاوی ظرفیت‌های فضاهای شهری بی‌زمان در ایجاد کسب‌وکار اجتماعی و توانمندسازی محلی، داده‌ها از دوازده مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ترکیبی متنوع از ذی‌نفعان گردآوری شد.

این مشارکت‌کنندگان شامل: چهار فروشنده بومی، دو زن فعال محلی، دو گردشگر فرهنگی، دو استادکار صنایع دستی و دو راهنمای گردشگری بودند تا طیف گسترده‌ای از تجربه‌های زیسته و دیدگاه‌های تخصصی نمایان شود. به‌منظور تقویت عمق داده‌ها و کاهش سوگیری مصاحبه، داده‌های تکمیلی از طریق مشاهده میدانی در میدان نقش‌جهان (در سه بازه زمانی مختلف روز و ایام هفته) و بررسی اسناد و تصاویر آرشیوی گردآوری شد. فرآیند تحلیل بر اساس رویکرد نظام‌مند نظریه داده‌بنیاد و طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام گرفت. اشباع نظری در مصاحبه دهم به دست آمد، یعنی از آن نقطه به بعد هیچ مفهوم یا رابطه جدیدی استخراج نشد، اما دو مصاحبه تکمیلی برای اطمینان از پایداری و اعتبار کدها انجام گرفت.

^۱ Granded Theory



شکل ۱. مراحل انجام روش تحقیق

جدول ۱. جدول سوالات مصاحبه و تحلیل ارتباط با موضوع پژوهش

محور اصلی	سوالات مصاحبه	هدف / ارتباط با توانمندسازی
بی‌زمانی فضا	چه تجربه‌هایی از حضور در میدان دارید که شما را به خاطرات گذشته یا تاریخ پیوند می‌دهد؟	شناسایی کیفیت‌های بی‌زمانی (حافظه تاریخی، خاطره‌انگیزی، آیین‌پذیری) و نقش آن‌ها در تقویت انسجام اجتماعی و حس تعلق.
	چه ویژگی‌هایی از معماری یا فضا باعث می‌شود حس ماندگاری یا بی‌زمانی داشته باشید؟ آیا مراسم یا آیین خاصی را در این فضا تجربه کرده‌اید؟	
کسب‌وکار اجتماعی	فعالیت اقتصادی شما چه ارتباطی با فرهنگ و سنت محلی دارد؟	آشکار ساختن ظرفیت فضا برای تقویت اقتصاد خرد، شبکه‌سازی محلی و ایجاد فرصت‌های درآمدی پایدار.
	چه نوع همکاری‌ها یا شبکه‌های اقتصادی در میان فروشندگان، هنرمندان یا گردشگران شکل گرفته است؟	
	میدان چه نقشی در پایداری یا تداوم کسب‌وکار شما داشته است؟	
توانمندسازی محلی	این فضا چه فرصت‌هایی برای یادگیری، آموزش یا انتقال مهارت‌های سنتی ایجاد کرده است؟	بررسی سازوکارهای ارتقای سرمایه اجتماعی، خوداتکایی و توانمندسازی فردی و جمعی جامعه محلی.
	به نظر شما میدان چه نقشی در ارتقای جایگاه زنان و جوانان در فعالیت‌های اجتماعی یا اقتصادی داشته است؟	
	آیا حضور و مشارکت در میدان باعث افزایش اعتماد، تعلق و احساس توانمندی در جامعه محلی شده است؟	

۲-۱. مطالعه موردی میدان نقش جهان اصفهان

میدان نقش جهان، از طرح‌های مهم شاه‌عباس برای توسعه پایتخت صفوی، پیشینه‌ای کهن از دوره سلجوقی دارد و پیش‌تر به‌عنوان باغات حکومتی و میدان شهری شناخته می‌شد (شهسبانی‌نژاد، ۲۰۲۱). این میدان مستطیلی به ابعاد تقریبی ۵۶۰ در ۱۶۰

متر، در مرکز مجموعه تاریخی نقش جهان و میان چهار بنای شاخص مسجد امام، مسجد شیخ لطف‌الله، کاخ عالی قاپو و سردر قیصریه واقع شده است. پیرامون آن حدود دویست حجره دوطبقه، محل عرضه صنایع‌دستی اصفهان قرار دارد. نقش جهان در سال ۱۳۱۳ با شماره ۱۰۲ در فهرست آثار ملی و در سال ۱۳۵۸ با شماره ۱۱۵ به عنوان نخستین میراث جهانی ایران در یونسکو ثبت شد. این میدان، در طول تاریخ، محل تبادل کالا، هنر، آیین‌های جمعی، نقالی، ورزش‌های باستانی، مناسک مذهبی و تجمع‌های مردمی بوده است. ساختار خوانا، مقیاس انسانی، تداوم عملکرد و حضور عناصر طبیعی چون نور، سایه و آب، کیفیتی «بی‌زمان» به آن بخشیده است. امروزه نیز این فضا با فعالیت‌های اقتصادی خرد، آیین‌ها، گردشگری فرهنگی و تعاملات اجتماعی روزمره، نمونه‌ای زنده از میدان شهری بی‌زمان با کارکردهای معاصر اجتماعی و اقتصادی محسوب می‌شود.

جدول ۲. ویژگی های میدان نقش جهان اصفهان در بعد کالبد و معنا (منبع: آقا بزرگ و متدین، ۲۰۱۵)

کالبد	معنا	تحلیل
مکان قرارگیری در شهر	بین شهر شاهی و شهر مردمی	قرارگیری میدان در مفصل راسته های پررونق مردمی و حکومتی در شهر
جهت گیری بنا و محل ایوان	جهت شمالی - جنوبی	به دلیل جهت تابش آفتاب و امکان بازی سوارکاران چوگان بازی همانند زمین های ورزشی امروزی، مانند باغ شیخ صفی، ناظر با حرکت در محور طولی میدان با نور آفتاب مواجه نم ی‌شود.
ایوان شاهی در غرب و بر فراز میدان	نقش نمایشی میدان، ایوان قدرت، حضور شاه و حکومت در میدان، تسلط حاکم، مانند محل تماشاگران در زمین های ورزشی امروزی، ایوان شاهی نیز باید در غرب باشد.	تعبیه ایوان ها و روا قهای مشرف برای مردم
چراغانی و آتش بازی مناسبتی	نقش مذهبی و عرفانی میدان، شکوه و قدرت، تقدس آتش	آتش بازی در شب برگزاری مراسم جشن در اعیاد مذهبی
چراغانی و آتش بازی در باغ ایرانی	خیابان و میدان باغ ایرانی، عناصر باغ سلطنتی ایرانی، سلطنتی بودن میدان، شکوه و قدرت، فضایی تفرّجگاهی برای حضور مردم و رونق بخشیدن به میدان، تقدس درخت و آب	استفاده از درخت و آب
بازار	نقش تجاری میدان، حضور مردم و تجارت داخلی و خارجی، تجارت داخلی و خارجی، رونق بخشیدن به میدان وارد شدن میدان به رقابت بین المللی، پیوند حکومت و مردم، رقابت میدان با میدان عتیق	حضور بازار و غرفه های تجاری برای رونق میدان
بازار، مسجد و مراسم ماه محرم	نقش مذهبی و عرفانی میدان، حضور مذهب، تأکید بر مذهبی بودن حکومت، حضور مردم و رونق بخشیدن به میدان، پیوند حکومت و مردم، رقابت میدان با میدان عتیق	حضور مسجد

نقش مذهبی و عرفانی میدان، سلسله مراتب دسترسی به مسجد		تعییه سلسله مراتب در ورود به مسجد	
نقش نمایشی میدان، اعتقادات شیعی حکومت که از ابتدای تشکیل حکومت به مرور به اعتقادات مردم تبدیل شد، حضور مردم، پیوند حکومت و مردم		مراسم عزاداری محرم	
نقش نمایشی میدان، مراسم چوگان بازی و قهق اندازی ورزش باستانی، نظامی و سلطنتی ایرانی، تقویت بنیه نظامی سرداران سپاه، حضور مردم برای تماشای بازی، پیوند حکومت و مردم		بازی چوگان	
نقش نمایشی میدان، نمایش ۱۱۰ توپ چدنی و ساعت ناقوسی		قهق اندازی	
نقش نمایشی میدان، موسیقی باستانی، نظامی و سلطنتی ایرانی، پیوند حکومت و مردم		نمایش قدرت نظامی	
نقاره خانه برای نواختن موسیقی سنتی و مذهبی ایرانی در هنگام برگزاری مراسم		به نمایش گذاشتن هدایا و غنایم جنگی	
نقاره خانه		نقاره زنی	
عظمت و قدرت		وسعت فرا انسانی	
ویژگی نو صفوی، تناسباتی که در حیاط دوم شیخ صفی دیده میشود.		تناسبات ۱ به ۳	
تقارن و هندسه ایرانی، قدرت		هندسه مستطیلی	
هندسه ایرانی، شکوه و قدرت، معماری ایرانی، سلسله مراتب		نحوه قرارگیری اجزا	
محصوریت، سای هاندازی در صحن بزرگ میدان، حضور مردم عادی در حجره های طبقه بالای میدان		وسعت، تناسبات، هندسه و جداره	
محصوریت		سردرها و تداوم جداره میدان تعبیه ایوان ها و رواق های مشرف برای مردم	
تزیینات جداره		محصوریت	
سلطنتی بودن میدان، شکوه و قدرت		توجه به طراحی خرد	

۳. یافته های پژوهش

با رویکرد نظریه‌پردازی داده بنیاد، داده‌های حاصل از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، مشاهده میدانی و تحلیل منابع، در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شد. هدف، شناسایی کیفیت‌هایی بود که فضای شهری بی‌زمان را به بستر کسب‌وکارهای اجتماعی و توانمندسازی جوامع محلی تبدیل می‌کند. ابتدا مفاهیم اولیه (کدگذاری باز) استخراج، سپس در قالب خوشه‌های مفهومی (محوری) سامان‌دهی و در نهایت مدل مفهومی نهایی (انتخابی) تدوین شد و الگوی روابط بین مقوله‌ها (بر اساس مدل پارادایمی اشتراوس و کوربین) احصا گردید. برای اطمینان از اعتبار و پایایی داده‌ها، از راهبردهای متنوعی بهره گرفته شده است. نخست، از سه‌سوسازی داده‌ها (مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، مشاهدات میدانی و تحلیل اسناد) استفاده گردید تا امکان مقایسه و تقویت روایی داده‌ها فراهم گردد. دوم، به‌کارگیری بازبینی توسط مشارکت‌کنندگان موجب شد یافته‌ها و مضامین استخراج‌شده با نظر مصاحبه‌شوندگان تطبیق و اصلاح شوند. سوم، با اجرای مصاحبه‌های تکمیلی پس از رسیدن به اشباع نظری، ثبات مفاهیم و پایداری کدها تأیید گردید. بدین ترتیب، اعتبار و پایایی داده‌ها از طریق هم‌پوشانی روش‌ها، بازخورد مشارکت‌کنندگان و تکرارپذیری مفاهیم تضمین گردیده است.

۳-۱. مرحله اول کدگذاری باز

در این مرحله، داده‌های گردآوری‌شده از دوازده مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با گروه‌های متنوع مشارکت‌کننده، به‌همراه مشاهدات میدانی در سه بازه زمانی متفاوت و بررسی اسناد و تصاویر آرشیوی، به‌صورت خطبه‌خط مورد تحلیل قرار گرفت. هدف این فرایند، شناسایی و برچسب‌گذاری مفاهیم اولیه از دل روایت‌ها و مشاهدات بود تا تمام جنبه‌های تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان نسبت به فضای میدان نقش‌جهان آشکار شود. برای این منظور، از مقایسه مداوم میان داده‌ها استفاده شد تا شباهت‌ها و تفاوت‌ها مشخص و کدهای مفهومی اولیه استخراج شود. جدول شماره ۳ نمونه‌ای از گزاره‌های مشارکت‌کنندگان به‌همراه کدهای مفهومی اولیه را نشان می‌دهد. در مجموع از مصاحبه‌های انجام‌شده، بیش از ۶۰ کد مفهومی اولیه استخراج شد که نشان می‌دهد میدان نقش‌جهان نه‌تنها فضایی برای تعامل اقتصادی و فرهنگی است، بلکه بستری برای تجربه‌ی مشترک آیینی، تاریخی و اجتماعی نیز فراهم می‌آورد. این کدها پایه‌ی مرحله‌ی بعد، یعنی کدگذاری محوری خواهند بود که در آن، کدها در مقوله‌های میان‌سطحی دسته‌بندی و تحلیل می‌شوند.

جدول ۳. نمونه گزاره‌ها و کدهای مفهومی اولیه استخراج‌شده از مصاحبه‌ها، مشاهدات و اسناد (کدگذاری باز)

مصاحبه	کد مفهومی اولیه	گزاره مشارکت‌کننده
مصاحبه ۱ (فروشنده بومی)	تداوم کسب‌وکار نسلی	این مغازه رو از پدرم تحویل گرفتیم و هنوز همون شیوه کار رو ادامه « »می‌دم
مصاحبه ۱ (فروشنده بومی)	پیوند بین معیشت و زندگی	«اینجا فقط یه محل کسب‌وکار نیست، بخشی از زندگی ماست»
مصاحبه ۱ (فروشنده بومی)	تجربه مشترک فرهنگی	«حتی توریست‌ها هم با این فضا احساس نزدیکی دارن»
مصاحبه ۲ (زن فعال محلی)	استفاده اجتماعی از میراث	«جلسات آموزشی رو توی یه کاروانسرا برگزار می‌کنیم»
مصاحبه ۲ (زن فعال محلی)	امنیت فضایی برای زنان	«یه جور امنیت و آرامش خاصی داره این فضا، مخصوصاً برای زن‌ها»
مصاحبه ۲ (زن فعال محلی)	اتصال به حافظه تاریخی	«آدم حس می‌کنه به یه تاریخ زنده وصله»
مصاحبه ۳ (استادکار صنایع‌دستی)	فضای الهام‌بخش برای بازدید	«خیلی‌ها فقط برای دیدن کار ما میان»
مصاحبه ۳ (استادکار صنایع‌دستی)	آموزش استاد-شاگرد سنتی	«خیلی‌ها از بچگی میان یاد می‌گیرن»
مصاحبه ۳ (استادکار صنایع‌دستی)	مکان با هویت و معنا	«اینجا الهام‌بخشه... انگار روح داره»
مصاحبه ۴ (گردشگر فرهنگی)	تنوع عملکرد در همزیستی فرهنگی	«همه چی با هم قاطیه ولی قشنگه»
مصاحبه ۴ (گردشگر فرهنگی)	حضور آیین در فضای عمومی	«مراسم تعزیه برگزار می‌شد و همه دور هم جمع می‌شدن»
مصاحبه ۴ (گردشگر فرهنگی)	تجربه بی‌زمانی/غرق‌شدگی	«آدم نمی‌فهمه زمان چطور می‌گذره»
مصاحبه ۵ (راهنمای گردشگری)	شکل‌گیری شبکه‌های خلاق	«اینجا محل آشنایی خیلی از هنرمندا با همدیگه‌ست»
مصاحبه ۵ (راهنمای گردشگری)	وفاداری نسلی گردشگران	«ما مشتری‌های ثابت از چند نسل داریم»

مصاحبه ۶ (فروشنده بومی)	برانگیختن حافظه حسی	«بوی ادویه و چای آدم رو می‌بره به خاطرات کودکی»
مصاحبه ۶ (فروشنده بومی)	سرمایه اجتماعی بومی	«بازارچه‌ها مثل یه خانواده بزرگ عمل می‌کنن»
مصاحبه ۷ (گردشگر فرهنگی)	هم‌پذیری فرهنگی	«توریست‌ها هم خودشون رو جزئی از این جمع می‌دونن»
مصاحبه ۷ (گردشگر فرهنگی)	روایت‌پذیری فضا	«این‌جا هر گوشه‌اش یه داستان برای گفتن داره»
مصاحبه ۸ (استادکار صنایع‌دستی)	همکاری بین کسب‌وکارها	«بعضی کارگاه‌ها با هم پروژه مشترک انجام میدن»
مصاحبه ۸ (استادکار صنایع‌دستی)	حمایت‌گری فضایی از فعالیت جمعی	«فضا برای کار گروهی خیلی مناسبه»
مصاحبه ۹ (بررسی اسناد آرشیوی)	تداوم تاریخی تجربه مکانی	«سفرنامه‌های قدیمی هم همین حس رو توصیف کردن»
مصاحبه ۹ (بررسی اسناد آرشیوی)	استمرار الگوی استفاده اجتماعی	«در عکس‌های قدیمی هم مردم همینطور دور هم بودن»
مصاحبه ۱۰ (مشاهده میدانی)	بروز خودانگیخته فرهنگ محلی	«غروب‌های اینجا یه مراسم غیررسمی موسیقی داره»
مصاحبه ۱۰ (مشاهده میدانی)	کارکرد آکوستیک کالبدی	«معماریش باعث میشه صداها خوب پخش بشه»
مصاحبه ۱۱ (مشاهده میدانی)	همزیستی نسلی در فضا	«بچه‌ها اینجا بازی می‌کنن و مزاحمتی پیش نمیداد»
مصاحبه ۱۲ (راهنمای گردشگری)	فضای پیونددهنده روابط قدیمی	«هر وقت اینجا میام، دوستان قدیمی رو می‌بینم»

۳-۲. مرحله دوم، کدگذاری محوری

در این مرحله، کدهای مفهومی اولیه استخراج‌شده در مرحله کدگذاری باز، بر اساس شباهت‌ها و هم‌پوشانی معنایی در قالب مقوله‌های میانی (مفاهیم سطح دوم) سازمان‌دهی شدند. این فرایند شامل مقایسه مداوم گزاره‌ها، بازبینی روابط بین کدها و ادغام مفاهیم هم‌خانواده بود تا ساختار منسجمی از مفاهیم شکل گیرد. این مقولات به‌صورت مستقیم برگرفته از داده‌های کدگذاری باز هستند و بیانگر نقش فضای شهری بی‌زمان در حمایت از کسب‌وکار اجتماعی و توانمندسازی محلی‌اند.

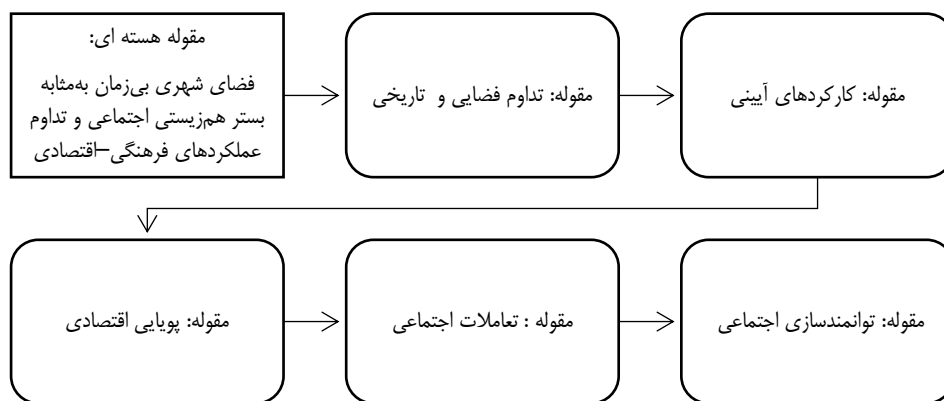
جدول ۴. جدول مقولات میانی و خوشه‌های مفهومی (کدگذاری محوری)

توضیح خوشه	کدهای مفهومی مرتبط	مقوله میانی (مفهوم سطح دوم)
اشاره به ماندگاری کارکردها و ارتباط بین نسلی با مکان	تداوم کسب‌وکار نسلی، استمرار حرفه، اتصال به حافظه تاریخی، ثبات فضایی، احیای خاطرات جمعی، پایداری فعالیت در تعطیلات	تداوم فضایی-تاریخی
تلفیق عملکردهای متنوع مذهبی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در یک فضای واحد	همزیستی اقتصادی و آیینی، استفاده اجتماعی از میراث، برگزاری مراسم، ترکیب خرید و عبادت، مراسم تعزیه، رویدادهای مشترک	چندعملکردی بودن فضا

توانمندسازی اجتماعی	برگزاری کارگاه، آموزش سنتی، توانمندسازی زنان، آگاهی‌بخشی، شبکه‌سازی زنان، گفت‌وگوهای غیررسمی	ظرفیت فضا در شکل‌دهی به توانمندی فردی و جمعی
ارتباط فرهنگی و هویتی	ادراک بین‌فرهنگی، دلبستگی مکانی، بازنمایی دیجیتال، تجربه معنادار، تعلق مکانی	احساس هویت، خاطره‌انگیزی و بازنمایی فضا برای گروه‌های مختلف
حس امنیت و آرامش	امنیت زنان، آرامش ادراکی، امنیت شبانه، تمرکز هنری	ادراک ایمنی، اعتماد و راحتی برای گروه‌های مختلف به‌ویژه اقشار آسیب‌پذیر
تعاملات اجتماعی و شبکه‌های بومی	تعامل صنوف، همبستگی فروشندگان، مجاورت اجتماعی، اعتمادسازی، روابط میان‌نسلی	شکل‌گیری روابط انسانی و اجتماعی درون فضای بازار و میدان
کارکردهای آیینی	برگزاری تعزیه، مراسم ختم، جشن‌های آیینی، مناسک سنتی، میدان به‌مثابه تکیه	نقش پررنگ آیین‌ها در فعال‌سازی فضا و حفظ هویت دینی-ملی
پویایی اقتصادی بومی	فروش مستقیم، عدم واسطه، اقتصاد محلی، حمایت از تولیدکننده، استمرار کسب‌وکار	تقویت اقتصاد خرد و محلی در بستر فضای تاریخی-اجتماعی

۳-۳. کدگذاری انتخابی

پس از شناسایی مفاهیم پایه در مرحله کدگذاری باز و سازماندهی آن‌ها در قالب مقولات میان‌سطحی در کدگذاری محوری، در این مرحله مقوله هسته‌ای استخراج شد تا چارچوب نظری یکپارچه‌ای برای تبیین پدیده شکل گیرد. مقوله هسته‌ای این پژوهش «فضای شهری بی‌زمان به‌مثابه بستر هم‌زیستی اجتماعی و تداوم عملکردهای فرهنگی-اقتصادی» است. این مقوله، از طریق تلفیق خوشه‌های مفهومی و روایت مشارکت‌کنندگان، به‌گونه‌ای شکل گرفت که مقولات «تداوم فضایی و تاریخی»، «کارکردهای آیینی»، «توانمندسازی اجتماعی»، «پویایی اقتصادی» و «تعاملات اجتماعی» همگی در درون آن معنا پیدا می‌کنند. بدین ترتیب، میدان نقش‌جهان نه صرفاً یک فضای کالبدی-تاریخی، بلکه بستری زنده برای زیست روزمره، مناسک فرهنگی، تجارت بومی، تعامل اجتماعی و بازتولید حافظه جمعی معرفی می‌شود. در این میدان، پیوند بین گذشته، حال و آینده به‌صورت یک تداوم روان-فضایی تجربه می‌شود؛ جایی که کسب‌وکارها نسل به نسل منتقل می‌شوند، آیین‌ها بازتولید می‌شوند و روابط اجتماعی عمق می‌یابند. این فضا به مثابه سکوی توانمندسازی فردی و جمعی عمل کرده و ارتقای سرمایه فرهنگی و اجتماعی را ممکن می‌سازد.



شکل ۲. نمودار مقوله هسته‌ای و پیوند آن با مقولات فرعی (کدگذاری انتخابی)

در نتیجه، مفهوم «فضای شهری بی‌زمان» نه تنها تبیین‌کننده پیوند میان مقولات استخراج‌شده است، بلکه در بسترهای تاریخی و بومی، ظرفیتی برای نقش‌آفرینی در توسعه انسانی و پایدار دارد.

۳-۴. روایت تحلیلی نهایی

در میدان نقش‌جهان، کیفیت بی‌زمانی فضا حاصل تداوم کالبدی، حافظه تاریخی و عناصر حسی-آیینی است که تجربه‌ای ماندگار و غیرخطی از فضا ایجاد می‌کند. این ویژگی، از طریق فراهم کردن بستری برای تعاملات اجتماعی، مناسب آیینی و کسب‌وکارهای خُرد، به بازتولید فرهنگ محلی و تقویت هویت فردی و جمعی می‌انجامد. ساختار دعوت‌کننده فضا و حمایت‌های غیررسمی، مشارکت گروه‌های کمتر دیده‌شده مانند زنان شاغل، هنرمندان محلی و سالمندان را در چرخه تولید ارزش اجتماعی اقتصادی تسهیل می‌کند. پیامد این فرایند، تداوم عملکرد فضایی، تقویت سرمایه اجتماعی، افزایش حس تعلق و شکل‌گیری کسب‌وکار اجتماعی است. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که بی‌زمانی فضا نه صرفاً ویژگی‌ای زیبایی‌شناسانه یا تاریخی، بلکه بستر پویایی اجتماعی، خلاقیت اقتصادی و هویت جمعی است (Alexander, 1977). این تداوم عملکردی، همراه با حافظه مکان، حس تعلق و اعتبار هویتی را تقویت می‌کند (Relph, 1976; Norberg-Schulz, 1980). حافظه فضایی و خاطره‌های مشترک به مشارکت اجتماعی معنا و عمق می‌بخشند و فضا را به زیرساخت فرهنگی فعال برای بازتولید آیین‌ها و سبک‌های زندگی سنتی بدل می‌کنند (Rapaport, 2013; Younes, 2010). در بعد اقتصادی، تداوم زندگی روزمره و حضور کسب‌وکارهای محلی، به‌ویژه مشاغل خُرد زنان و هنرمندان صنایع‌دستی، نشان‌دهنده توانمندسازی اقتصادی از پایین به بالاست (Younes, 2010). این فعالیت‌ها با بهره‌گیری از فضاهای عمومی باز، امکان دیده‌شدن، تبادل مستقیم با جامعه و مقابله با محرومیت ساختاری را فراهم می‌آورند. میدان نقش‌جهان، به‌عنوان فضای سوم (Lefebvre, 1991)، محل تلاقی حافظه تاریخی، عملکرد اقتصادی و تجربه زیسته اجتماعی است. الگوی مفهومی پژوهش نشان می‌دهد که فضای شهری بی‌زمان، در هم‌آمیزی عناصر حسی، ساختار تاریخی و مشارکت اجتماعی، بستر فعالی برای اقتصاد خُرد محلی، حفظ آیین‌های فرهنگی و ارتقای سرمایه اجتماعی فراهم می‌آورد؛ نقشی که با اهداف عدالت فضایی و پایداری اجتماعی در شهرهای معاصر همسو است (Harvey, 2012).

۳-۵. الگوی روابط بین مقوله‌ها (بر اساس مدل پارادایمی اشتراوس و کوربین)

در راستای رویکرد نظریه‌پردازی داده بنیاد، پس از انجام کدگذاری باز، محوری و انتخابی، گام نهایی در تحلیل داده‌ها، تبیین نظام‌مند روابط میان مقولات استخراج‌شده در قالب یک الگوی پارادایمی است. این الگو، که بر مبنای چارچوب نظری اشتراوس و کوربین (۱۹۹۸) شکل می‌گیرد، به‌منظور درک جامع‌تری از پدیده‌ی محوری پژوهش ارائه می‌شود و نشان می‌دهد که چگونه عوامل علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها، در شکل‌گیری و تداوم پدیده‌ی «فضای شهری بی‌زمان به‌مثابه بستر توانمندسازی و کسب‌وکار اجتماعی» با یکدیگر در تعامل هستند. ارائه‌ی این الگو کمک می‌کند تا یافته‌های پژوهش نه تنها به‌صورت طبقه‌بندی‌شده، بلکه در قالب یک ساختار علی و تبیینی بازنمایی شوند و بنیانی نظری برای تحلیل فضاهای شهری مشابه یا برنامه‌ریزی‌های راهبردی آینده فراهم آورند.

جدول ۴. الگوی روابط بین مقوله‌ها (بر اساس مدل پارادایمی اشتراوس و کوربین)

محتوا / مقولات استخراج‌شده	مولفه پارادایمی
فضای شهری بی‌زمان به‌مثابه بستر هم‌زیستی اجتماعی و تداوم عملکردهای فرهنگی-اقتصادی	پدیده محوری
تاریخ‌مندی میدان نقش‌جهان	
انتقال بین‌نسلی مشاغل	شرایط علی
برگزاری آیین‌های مذهبی و فرهنگی	

نقش سنت در تثبیت روابط اجتماعی در فضا	
ساختار کالبدی باز و نفوذپذیر میدان	
قرارگیری در بافت تاریخی و مرکزی شهر	شرایط زمینه‌ای
وجود کارکردهای متنوع (بازار، مسجد، مدرسه، کاخ)	
خاطره‌انگیزی فضا	
نقش شهرداری و نهادهای فرهنگی در فعال‌سازی فضا	
حضور گردشگران و مناسبت‌های مذهبی	شرایط مداخله‌گر
عملکرد NGO ها و شبکه‌های اجتماعی محلی	
تقویت کسب‌وکار اجتماعی محلی (کارگاه، فروشگاه، آموزش)	
بازتعریف آیینی-اجتماعی میدان برای مشارکت شهروندان	راهبردها
بسترسازی برای حضور اقشار متنوع	
توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی جوامع محلی	
ارتقای حس تعلق و مشارکت عمومی	پیامدها
حفظ هویت و حافظه جمعی	
باززنده‌سازی فضاهای تاریخی در شهر امروز	

۴. بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر با هدف واکاوی ظرفیت‌های فضای شهری بی‌زمان در زمینه کسب‌وکار اجتماعی و توانمندسازی جوامع محلی، به بررسی میدان نقش‌جهان اصفهان به‌عنوان نمونه‌ای زنده از چنین فضاهایی پرداخت. بر پایه تحلیل نظری و کیفی، نتایج چندلایه‌ای از ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و فضایی حاصل شد که نشان می‌دهد این میدان، فراتر از یک میراث تاریخی، به بستری زنده برای هم‌زیستی اجتماعی و تداوم عملکردهای فرهنگی و اقتصادی بدل شده است. از منظر تحلیلی، چهار فرایند کلیدی در این میدان شناسایی گردید. تداوم تاریخی و بین‌نسلی از زمان صفویه تاکنون، میدان نقش جهان کارکردهای متنوع خود را از مقر حکومتی تا بازار تجارت و فضای تعامل مردمی حفظ کرده و نیازهای نسل‌های متوالی را پاسخ داده است (آقا بزرگ و متدین، ۲۰۱۵). ساختار اصلی میدان و عناصر عملکردی آن تقریباً دست‌نخورده مانده و پیوند میان گذشته و حال را زنده نگه داشته است. حضور بازارهای سنتی، مراسم محلی و کسب‌وکارهای منتقل‌شده نسل‌به‌نسل، حافظه جمعی و حس تعلق مکانی را تقویت کرده است (شهابی‌نژاد، ۲۰۲۱). چندعملکردی بودن و انعطاف فضایی میدان نقش‌جهان که کارکردهای اقتصادی، آیینی، گردشگری و فرهنگی را هم‌زمان در خود جای داده و امکان زیست اجتماعی پویا را فراهم کرده است. این یافته با مطالعاتی همخوان است که آیین‌پذیری و چندعملکردی بودن را عامل پایداری اجتماعی می‌دانند (صفدری، ۲۰۱۷؛ حاتمی‌گلزاری، ۲۰۲۱). توانمندسازی محلی و کسب‌وکارهای اجتماعی در این میدان، همان‌طور که لو (۲۰۲۳) می‌گوید، فضاهای عمومی با فراهم کردن بازارهای محلی، فروش‌های غیررسمی و فضاهای رویداد، توسعه اقتصادی و پویایی اجتماعی را تقویت می‌کنند (low, 2023). برگزاری کارگاه‌های صنایع‌دستی، آموزش مهارت‌های بومی و مشارکت زنان در میدان، مصادیق روشن توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی هستند (Somerville & McElwee, 2011). در نهایت پایداری اقتصادی خرد و حمایت از تولید محلی که با کارآفرینی اجتماعی مبتنی بر

صنایع‌دستی، به‌ویژه با محوریت زنان، موجب تاب‌آوری اقتصادی و حفظ هویت فرهنگی می‌شود (Holt & Littlewood, 2018; Pathak & Mukherjee, 2021) در میدان نقش جهان، فروش مستقیم محصولات بومی، ضمن تقویت اقتصاد خرد، به بازتولید فرهنگی و ارتقای هویت شهری انجامیده است.

در مجموع، میدان نقش جهان نمونه‌ای موفق از پیوند اقتصاد محلی و بازتولید فرهنگی در یک فضای تاریخی است. این فضا با حفظ کارکردهای سنتی و بازتعریف اجتماعی-اقتصادی، الگویی از «فضای شهری بی‌زمان» ارائه می‌دهد که حافظه تاریخی، زیست اجتماعی و پویایی اقتصادی را یکپارچه می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد این مفهوم فراتر از کالبد تاریخی، بستری برای مشارکت اجتماعی، توانمندسازی محلی و توسعه پایدار است. مدل نظری پژوهش پیوند میان بی‌زمانی فضا، سرمایه اجتماعی و اقتصاد اجتماعی را برجسته می‌کند و بیانگر آن است که فضاهای تاریخی می‌توانند با بازتعریف کارکردها به موتورهای عدالت فضایی و مشارکت مردمی بدل شوند. مقوله‌ی هسته‌ای این مطالعه، «فضای بی‌زمان به‌مثابه بستر هم‌زیستی اجتماعی و تداوم عملکردهای فرهنگی-اقتصادی» است که در میدان نقش جهان با پیوند سنت و معاصرت، گذشته و حال، آیین و معیشت، به‌وضوح دیده می‌شود.

تقدیر و تشکر

این مقاله برگرفته از رساله دکتری سارا محمودیان مصلح با عنوان «تبیین ابعاد، مؤلفه‌ها و معیارهای فضای شهری بی‌زمان؛ نمونه موردی میدان نقش جهان اصفهان» به راهنمایی دکتر زهرا سادات سعیده زراآبادی و دکتر منوچهر طبیبیان و با مشاوره دکتر فرح حبیب در گروه شهرسازی، دانشکده عمران، معماری و هنر، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی به انجام رسیده است.

References

- Aghabozorg, N., & Matadayen, H. (2015). The theoretical origins of the Naqshe Jahan Square. *Bagh-e-Nazar*, 12(33), 23-40.
- Alexander, C. (1977). *A pattern language: Towns, buildings, construction*. New York: Oxford University Press.
- Alexander, C. (1979). *The timeless way of building*. New York: Oxford University Press.
- Bagheri, S. (2023). Identification and prioritization of social sustainability indicators of religious places during pandemics and design strategies for their realization and continuity (Case study: Mosques in Ferdows West Neighborhood, Tehran). *Sustainable Architecture and Urban Development*, 11(2), 41–60. (In Persian). <https://doi.org/10.22061/jsaud.2023.9373.2093>
- Boussaa, D. (2017). Urban regeneration and the search for identity in historic cities. *Sustainability*, 10(1), 48. <https://doi.org/10.3390/su10010048>
- Carmona, M. (2014). The place-shaping continuum: A theory of urban design process. *Journal of Urban Design*, 19(1), 2-36. <https://doi.org/10.1080/13574809.2013.854695>
- Carmona, M. (2019). Principles for public space design, planning to do better. *Urban Design International*, 24(1), 47-59. <https://doi.org/10.1057/s41289-018-0070-3>
- Carmona, M., Heath, T., Oc, T., & Tiesdell, S. (2003). *Public places – Urban spaces: The dimensions of urban design*. (Z. Ahari, E. Salehi, F. Gharaei, & M. Shokouhi, Trans.). Tehran: Art University. (In Persian, 2015, 3rd ed.).
- Doherty, B., Haugh, H., & Lyon, F. (2014). Social enterprises as hybrid organizations: A review and research agenda. *International Journal of Management Reviews*, 16(4), 417–436. <https://doi.org/10.1111/ijmr.12028>
- Essawy, S. (2017). The timelessness quality in architecture. *International Journal of Scientific & Technology Research*, 6(02), 265-273.
- Francis, J., Giles-Corti, B., Wood, L., & Knuiman, M. (2012). Creating sense of community: The role of public space. *Journal of Environmental Psychology*, 32(4), 401–409. <https://doi.org/10.1016/j.jenvp.2012.07.002>
- Fu, S., & Verdini, G. (2025). Creative placemaking at heritage sites between material improvements and selective memory: The case of Wudadao in Tianjin. *Built Heritage*, 9(1), 1-13. <https://doi.org/10.1186/s43238-025-00202-2>
- Gamba, F., & Cattacin, S. (2021). Urban rituals as spaces of memory and belonging: A Geneva case study. *City, Culture and Society*, 24, 100385. <https://doi.org/10.1016/j.ccs.2021.100385>
- Gawel, D. (2019). New urban spaces—their heritage and creation. *Budownictwo i Architektura*, 18(3), 83-92.
- Golkar, K. (2001). Components of urban design quality. *Soffeh*, 32, 38-65. (In Persian). <https://sid.ir/paper/94234/en>
- Gürleyen, T. (2018). Memory layers, porosity and montage as representative interfaces of anamnesis and forgetting. *A/Z ITU Journal of the Faculty of Architecture*, 15(2), 125-135. <https://doi.org/10.5505/itujfa.2018.75002>
- Harvey, D. (2012). *Rebel cities: From the right to the city to the urban revolution*. London: Verso Books.
- Hatami Golzari, E., Mirzakuchak Khoshnevis, A., Bayzidi, Q., & Habibi, F. (2021). Developing components of permanence in urban architectural spaces with emphasis on rhythms of daily life: Case study of Tabriz Bazaar area. *Geographical Sciences*, 21(60), 201–218. (In Persian). <https://20.1001.1.22287736.1400.21.60.17.3>
- Holt, D., & Littlewood, D. (2018). Social entrepreneurship and Africapitalism: Exploring the connections. In *Africapitalism: Rethinking the role of business in Africa* (p. 195). <https://doi.org/10.1017/9781316675922.009>
- Hussein, F., Stephens, J., & Tiwari, R. (2020). Memory for social sustainability: Recalling cultural memories in Zanjit Alsitat historical street market, Alexandria, Egypt. *Sustainability*, 12(19), 8141. <https://doi.org/10.3390/su12198141>
- Khakpour, B. (2015). Social capital, empowerment of marginalized women and urban labor market: A case study of women's community in informal settlements of Tabriz. *Geography and Urban Space Development*, 2(1). (In Persian). <https://doi.org/10.22067/gusd.v2i1.27332>

- Layla, M. (2022). The art of architecture: Meier's timeless style. *Architecture and Engineering*, 7(3), 21-26. <https://doi.org/10.23968/2500-0055-2022-7-3-21-26>
- Lefebvre, H. (1991). *The production of space*. Oxford: Blackwell.
- Lesiège, M. H. (2023). *An architecture of permanence* (Doctoral dissertation, Toronto Metropolitan University).
- Lima, L., & Costa, E. (2017). Between ruins and permanence: The heritage in the urbanization's specificity of Goiás (Brazil). *Athens Journal of History*, 4(1), 19-36. <https://doi.org/10.30958/ajhia.4-1-2>
- Littlewood, D., & Holt, D. (2018). Social entrepreneurship in South Africa: Exploring the influence of environment. *Business & Society*, 57(3), 525-561. <https://doi.org/10.1177/00076503156132>
- Low, S. M. (2023). *Why public space matters*. Oxford University Press.
- Lynch, K. (1976). *The image of the city* (M. Mazini, Trans.). Tehran: University Publications. (Original work published 1960) (In Persian).
- Madanipour, A. (2003). *Public and private spaces of the city*. London: Routledge.
- Maghrebi, S. (2019). Conceptualizing *mandegari* in urban space with an emphasis on metamorphosis/perenniality: The Ali-Gholi-Agha Quarter in Isfahan as case study [Doctoral dissertation, University of Art Isfahan]. (In Persian).
- Manzo, L. C., & Perkins, D. D. (2006). Finding common ground: The importance of place attachment to community participation and planning. *Journal of Planning Literature*, 20(4), 335-350. <https://doi.org/10.1177/08854122052861>
- Moshiri, M. J., Hesami, H., & Karimi, M. M. (2020, February). Improving business environment; A solution for deprivation removal in metropolitan peripheries with emphasis on resistance economy (Case study: Underprivileged areas of Mashhad). In *Proceedings of the First National Conference on Improvement and Reconstruction of Organizations and Businesses* (pp. 3323-3345). (In Persian).
- Merleau-Ponty, M. (2024). *Phenomenology of perception* (M. Alia, Trans.). Tehran: Ney Publishing. (Original work published 1945) (In Persian).
- Moinodini, M., & Pirouzman, A. (2025). Place memory and its relationship with collective memory in analyzing environmental components affecting the physical form and identity of Tehran city bazaar. *Cultural Sociology*. (In Persian). <https://10.30465/scs.2025.51280.2979>
- Montgomery, J. (2003). Cultural quarters as mechanisms for urban regeneration. Part 1: Conceptualising cultural quarters. *Planning, Practice & Research*, 18(4), 293-306. <https://doi.org/10.1080/1561426042000215614>
- Motalebi, G., & Sedaghati, A. (2020). Forming a unique identity derived from cultural values hidden in the collective memories of citizens. *International Journal of Human Capital in Urban Management*, 5(3).
- Moulton, G. (2025). Victor Cordella: Timeless beauty in architecture [Review of the book *Victor Cordella: Timeless beauty in architecture*, by G. M. Gyrisco, S. Howe, S. Poszwa, & M. Retka]. *Polish American Studies*, 82(1), 91-93. <https://doi.org/10.5406/23300833.82.1.09>
- Najarnejad Mashhadi, M., Afzalain, K., Sheibani, M., & Seyed Hosseini, S. M. (2021). Understanding the nature of enduring patterns in Iranian architecture (Adapting Christopher Alexander's concept of permanence). *Architectural Thought Scientific Journal*, 5(9), 1-18. (In Persian). <https://10.30479/at.2020.11932.1359>
- Norberg-Schulz, C. (2002). *Architecture: Presence, language, place* (S. A. Ahmadian, Trans.). Institute of Architecture Publications.
- Nute, K. (2024, August 12). Time out: Architecture as a refuge from the temporal. *MDPI Preprints*. <https://doi.org/10.20944/preprints202408.0769.v1>
- Paszkowski, Z. W. (2011). Timeless values in architecture. *Czasopismo Techniczne: Definiowanie Przestrzeni Architektonicznej*, 108(14), 305.
- Pathak, S., & Mukherjee, S. (2021). Entrepreneurial ecosystem and social entrepreneurship: Case studies of community-based craft from Kutch, India. *Journal of Enterprising Communities*, 15(3), 350-374. <https://doi.org/10.1108/JEC-06-2020-0112>
- Perera, W. S. D., Kulatunga, U., De Silva, M. C. K., & Dias, N. (2024). Revisiting the notion of "public spaces": Professional and community perspectives. In *12th World Construction Symposium-2024* (pp. 878-890). <https://doi.org/10.31705/WCS.2024.70>

- Rapoport, A. (2013). *History and precedent in environmental design*. Springer.
- Rashidi, M., Kazemi Shishvan, M., Hatami Golzari, A., & Haghju, A. (2024). Qualitative analysis of environmental sustainability principles in Iranian garden architecture (Case study: Gardens of Safavid and Qajar periods). *Interdisciplinary Studies in Architectural and Urban Excellence*, 2(3), 37-54. <https://10.71882/jisaud.2024.977567>
- Relph, E. (1976). *Place and placelessness*. London: Pion.
- Richards, G. (2014). Creativity and tourism in the city. *Current Issues in Tourism*, 17(2), 119-144. <https://doi.org/10.1080/13683500.2013.783794>
- Richards, G. W., & Marques, L. (2012). Exploring creative tourism: Introduction. *Journal of Tourism Consumption and Practice*, 4(2), 1-11.
- Safdari, D. (2017). Investigating the role of social interactions in the meaning of urban space (Case study: Historical squares of Yazd city). [Doctoral dissertation, Islamic Azad University]. (In Persian).
- Sak, S., & Senyapili, B. (2019). Evading time and place in Ankara: A reading of contemporary urban collective memory through recent transformations. *Space and Culture*, 22(4), 341-356. <https://doi.org/10.1177/1206331218764334>
- Schopenhauer, A. (2009). *The world as will and representation* (R. Valiyari, Trans.). Tehran: Markaz Publishing. (Original work published 1819). (In Persian).
- Shahabi Nejad, A. (2021). The formation process of Naghsh-e Jahan Square in Isfahan. *Iranian Architecture Studies*, 8(15), 113-131. (In Persian). <https://doi.org/10.22052/1.15.113>
- Shahinrad, M., Rafieian, M., & Pourjafar, M. (2023). Investigating dimensions of people-urban space interaction and its influence on design priorities: Perspectives from urban squares in Tehran. *International Journal of Architectural Engineering & Urban Planning*, 3(33). <https://doi.org/10.22068/ijaup.729>
- Sobh, H., & Samy, H. A. (2018). Islamic geometric patterns as timeless architecture. *Journal of Al-Azhar University Engineering Sector*, 13(48), 1074-1088. <https://doi.org/10.21608/aej.2018.18946>
- Somerville, P., & McElwee, G. (2011). Situating community enterprise: A theoretical exploration. *Entrepreneurship & Regional Development*, 23(5-6), 317-330. <https://doi.org/10.1080/08985626.2011.580161>
- Stanley, D. (2003). What do we know about social cohesion: The research perspective of the federal government's social cohesion research network. *Canadian Journal of Sociology*, 5-17. <https://doi.org/10.2307/3341872>
- Stepanchuk, A., Salyakhova, M., & Salyakhova, V. (2021). Preserving identity while reorganizing urban spaces. In *E3S Web of Conferences*, 274, 01017. <https://doi.org/10.1051/e3sconf/202127401017>
- Wirasmoyo, W. (2024). Unpacking the etymology of urban space quality: Towards a common definition. *Arsir*, 8(1), 117-127. <https://doi.org/10.32502/arsir.v8i1.49>
- Yarahmadi, S., Ansari, M., & Mahdavinejad, M. J. (2022). The role of water system in the permanence of Persian garden. *Manzar*, 14(61), 6-15. (In Persian). <https://doi.org/10.22034/manzar.2022.367987.2211>
- Yung, E. H., Chan, E. H., & Xu, Y. (2014). Community-initiated adaptive reuse of historic buildings and sustainable development in the inner city of Shanghai. *Journal of Urban Planning and Development*, 140(3), 05014003. [https://doi.org/10.1061/\(ASCE\)UP.1943-5444.00001](https://doi.org/10.1061/(ASCE)UP.1943-5444.00001)
- Yunus, M., & Weber, K. (2010). *Building social business: The new kind of capitalism that serves humanity's most pressing needs*. Public Affairs.
- Zimmerman, M. A. (2000). Empowerment theory: Psychological, organizational and community levels of analysis. In *Handbook of Community Psychology* (pp. 43-63). Boston: Springer. https://doi.org/10.1007/978-1-4615-4193-6_2
- Zou, Y., Yang, Y., Li, Y., Liao, J., & Xiao, H. (2023). How do tourists' heritage spatial perceptions affect place identity? A case study of Quanzhou, China. *Journal of Hospitality and Tourism Management*, 55, 460-470. <https://doi.org/10.1016/j.jhtm.2023.05.018>
- Rapoport, A. (2012). *Culture, architecture, and design* (M. Yousefniapasha & M. Barzegar, Trans.). Tehran: Shelfin. (Original work published 2005).
- Shafieiyan Dariyani, F., Pourjafar, M., & Ghobadi, A. (2015). The concept of persistence in Islamic architecture and comparing it to the concept of sustainability in contemporary architecture. *JRIA*, 2(4), 32-48.